بسم الله الرّحمن الرّحیم



تهیه شده در:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شعبه اصفهان

با کلیک بر روی هر سؤال به پاسخ آن منتقل خواهید شد.

اعتقادی / تاریخی

۱. منظور از «عارفاً بحقه» و «عارفا بحقها» که در زیارت امام رضا و حضرت معصومه علیهاالسلام آمده است، چیست؟

۲. چرا به علی بن موسی علیه‌السلام، امام هشتم شیعیان، رضا می گویند؟

۳. علت سفر حضرت معصومه علیهاالسلام به شهر قم چه بوده است؟

۴. آیا حضرت معصومه علیهاالسلام معصوم است؟

۵. آیا یک‌بار زیارت امام رضا علیه‌السلام ثواب هزار حج را دارد؟

۶. آیا زیارت حضرت معصومه علیهاالسلام ماثوره و از امام معصوم علیه‌السلام صادر شده است؟

۷. چرا امام رضا علیه‌السلام ولایتعهدی مأمون را قبول کرد؟

۸. آیا پاداش زیارت امام رضا علیه‌السلام، از زیارت امام حسین علیه‌السلام هم بالاتر است؟

۹. برای رسیدن به مقام رضا چه مراحلی را باید طی نمود؟

۱۰. دلیل عدم ازدواج حضرت معصومه علیهاالسلام چیست؟

۱۱. آیا حضرت معصومه علیهاالسلام مقام شفاعت دارد؟

۱۲. بستن بیماران به پنجره فولاد امام رضا علیه‌السلام ریشه دینی دارد یا خرافه است؟

۱۳. کسی که حضرت معصومه علیهاالسلام را زیارت کند بهشت بر او واجب است، آیات گناه زائران هنگام زیارت بخشیده می‌شود؟

۱۴. اگر اهل بیت علیهم‌السلام به احوالات همه آگاه هستند، چه نیازی به حضور در حرم آنها جهت زیارت است؟

۱۵. حضور قبور امام رضا علیه‌السلام در ایران چه فایده‌ای برای ملت ایران دارد؟

۱۶. جایگاه امامزاده احمد بن موسی علیه‌السلام مشهور به «شاهچراغ» از نظر علمی چیست و رابطه‌ی ایشان با امام رضا علیه‌السلام چگونه بوده است؟

۱۷. در حرم زینبیه اصفهان چه کسی مدفون می‌باشد و آیا دارای سند و معتبر است؟

اخلاقی / تربیتی

۱. کرامت در اخلاق اسلامی به چه معناست؟

۲. انسان کریم چه ویژگی‌هایی دارد؟

۳. عوامل مؤثر در ایجاد اخلاق کریمانه کدام است و راه رسیدن به کرامت چیست؟

۴. تفاوت انسان کریم و انسان لئیم از منظر قرآن کریم چیست؟

۵. دهه کرامت یادآور چه معنایی در زندگی است؟

۶. از منظر امام رضا علیه‌السلام راه سعادت و خوشبختی انسان چیست؟

۷. مهمترین ویژگی‌های تربیتی دهه کرامت برای دختران جامعه اسلامی چیست؟

۸. از دهه کرامت چه ویژگی‌های اخلاقی را می‌توان برداشت کرد؟

۹. نقش دهه کرامت در الگوسازی و انسان‌سازی چیست؟

۱۰. کرامت انسانی در آموزه‌های رضوی به چه معناست؟

۱۱. جایگاه زن بر اساس کرامت نفس چگونه قابل تبیین است و چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱۲. نقش کرامت نفس در انسان‌سازی و اخلاق‌مداری چیست؟

۱۳. آیا کریم و اهل کرامت شدن برای همه انسان‌ها امکان‌پذیر است؟

۱۴. نقش زن در حرکت‌های اصلاحی جامعه با محوریت حرکت حضرت معصومه علیها السلام چیست؟

۱. منظور از «عارفاً بحقه» و «عارفا بحقها» که در زیارت امام رضا و حضرت معصومه علیهما السلام آمده است، چیست؟

نکته اول: در روایات متعدد توصیه به زیارت آل الله علیهم السلام، با قید «عَارِفاً بِحَقِّه» شده است:

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ أَتَى قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام عَارِفاً بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ»؛ «کسی که امام حسین علیه السلام را درحالی‌که عارف به حقش باشد زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده آن را می‌بخشد». (الکافی (ط - الإسلامیة)، ج۴، ص: ۵۸۲)

اما منظور از شناخت حق اهل‌بیت علیهم السلام:

الف: امام صادق علیه السلام از فضیلت زیارت عارفانه‌ی امام رضا علیه السلام سخن گفت. حمزه بن حمران پرسید: «قربانت گردم منظور از معرفت حق او چیست؟» فرمودند: «اینکه بداند او واجب الاطاعة، غریب و شهید است (برای تبلیغ دین، هدایت مردم و پایداری و استقامت درراه حق، غریبانه به شهادت رسیده است)». (بحارالانوار، ج۹۹، ص۳۵)

ب: امام علی علیه السلام می‌فرماید: حقی که من بر شما دارم این است که: ۱. به بیعتی که با من بستید وفادار باشید. ۲. در نهان و آشکار ناصح من باشید (یکرنگ و خالص) ۳. هنگامی‌که شمارا فراخواندم، اجابت کنید (اطاعت‌پذیری). ۴- وقتی شمارا به کاری دستور دادم، فرمان ببرید.(نهج البلاغه، خطبه ۳۴)

نکته دوم: با بیان این دو روایت شریفه روشن می‌شود، کسی که زیارت با معرفت داشته باشد، مطیع امام علیه السلام خواهد بود و قطعاً چنین فردی رضوان الهی شامل حالش خواهد شد.

۲. چرا به علی بن موسی علیه السلام امام هشتم شیعیان، رضا می‌گویند؟

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرزندش علی علیه السلام را رضا لقب داده بود و گاهی می‌فرمود:

پسرم رضا را بگویید پیش من بیاید... به فرزندم رضا گفتم... فرزندم رضا گفت؛ امّا وقتی حضرت را مورد خطاب قرار میداد، می فرمود: یا أباالحسن.(عیون اخبارالرّضا، صدوق، رضا مشهدی، جزء۱، ص۱۴- ۱۳)

از این روایت استفاده میشود که امام کاظم علیه السلام عنایت خاصی به لقب «رضا» برای فرزندشان داشتند و به نحوی به دیگران گوشزد می‌کردند حضرت را «رضا» صدا بزنند.

در وجه نام گذاری حضرت به «رضا» احادیثی وارد شده است، از جمله: احمد بن أبی نصر بزنطی به امام جواد علیه السلام عرض کرد: گروهی از مخالفان شما گمان می‌کنند که مأمون پدر بزرگوار شما را «رضا» لقب داده، آن هم بدین جهت که امام علیه السلام را برای پذیرش ولایتعهدی راضی کرده است. امام جواد علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند! اینان دروغ می‌گویند، بلکه خدا پدرم را رضا نامیده، چون که پسندیده خدا در آسمان بود و رسول خدا و أئمه هدی در زمین از او خوشنود بودند»، بزنطی به امام گفت: آیا همه پدران گذشته تو پسندیده خدا و رسول و ائمه نبودند، فرمود: چرا. بزنطی پرسید: پس چرا تنها آن حضرت «رضا» نامیده شد، فرمود: زیرا همان‌گونه که دوستان و موافقان وی از حضرت راضی بودند، دشمنان و مخالفان نیز از او راضی بودند. چنین ویژگی برای هیچ کدام از پدران حضرت

وجود نداشت و بدین سبب است که میان آنان، حضرت «رضا» نامیده شده است. (علل‌الشرایع، صدوق، مؤسسه الأعلمی، بیروت، جزء۱، ص۲۷۷، باب۱۷۲، ح۱)

برخی از بزرگان در این باره نوشته اند: خداوند در لوح محفوظ آن حضرت را «رضا» نامیده و با این نام گذاری اعلام فرموده است که:

۱. دوستان و دشمنان از حضرت راضی هستند.

۲. فرشتگان از شمایل و اخلاق و اعمال امام رضایت دارند.

۳. خدا از او راضی بوده و او را هم راضی کرده است. (القاب الرّسول و عترته (مجموعه نفیسه ص ۲۶۹)، کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی، ص ۶۷)

۳. علت سفر حضرت معصومه علیها السلام به شهر قم چه بوده است؟

نکته اول: سفر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و سایر امامزادگان و همراهان با علم و آگاهی از اوضاع زمان خویش صورت گرفته است.

نکته دوم: در بررسی چرایی سفر حضرت معصومه علیها السلام به نکاتی می توان اشاره کرد:

۱. در کتاب کریمه اهل بیت علیهم السلام سخن از نامه امام رضا علیه السلام به حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است که امام علیه السلام خواستار سفر خواهرش شده است. نویسنده کتاب که سند این نامه را از کتاب «من لایحضره الفقیه» نقل می‌کند آورده است که حضرت امام رضا علیه السلام به یکی از غلامانشان دستور دادند که نوشته‌ای را به خدمت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام برسانند و حضرت به مجرد رسیدن نامه آماده سفر شدند.(کریمه اهل بیت علیهم السلام، ص۴۹۳)

۲. سیاست مأمون که خلیفه مسلمین بود ابتدا جلب نظر علویان به سوی خود بود و سیاست خوبی با علویان داشته ولی بعداً این سیاست تبدیل به شکنجه و آزار و اذیت علویان گشت. شاید به همان خاطر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و سایر امامزادگان دست به سفر زدند. (قم در دو قرن نخست هجری، فصلنامه تخصصی تاریخ اسلام، تابستان، ۸۲، مؤسسه باقرالعلوم علیه السلام، شماره۱۴، ص۳۵)

۳. اکثر منابع علت سفر حضرت معصومه علیها السلام را زیارت برادرش ذکر کردند.(کتاب «تاریخ قم»، نوشته حسن بن محمد بن حسن، کتاب «حیاۀ الست» تألیف مهدی منصوری، «ریاحین الشریعۀ» تألیف ذبیح الله محلاتی، «منتهی الآمال» تألیف شیخ عباس قمی)

۴. مسیرهایی که حضرت معصومه علیها السلام جهت سفر انتخاب کردند آن مسیرهایی بود که امام رضا علیه السلام از آنها ممنوع شده بودند. این یعنی دقت و آگاهی و یعنی اینکه ایشان می‌خواستند هدف از سفر برادرشان را تبلیغ و تبیین کنند و فرهنگ ناب و اصیل اسلامی را بیان کنند.

نتیجه اینکه: حضرت معصومه علیها السلام و سایر امامزادگان و همراهان از روی غفلت دست به سفر به سوی ایران نمی‌زدند، نامه امام رضا علیه السلام، سیاست مأمون، دیدار امام رضا علیه السلام، تبلیغ امامت و مذهب تشیع، از جمله دلایل تاریخی است که حضرت معصومه علیها السلام به سمت ایران حرکت کردند.

۴. آیا حضرت معصومه علیها السلام معصوم است؟

نکته اول: عصمت به نیروی بازدارنده از معصیت و گناه گفته می شود که این صفت راسخه در انسان از ارتکاب هر گونه گناه و خطا جلوگیری می کند.

نکته دوم: عصمت دارای مراتبی است که برخی از مراتب آن برای همگان قابل دسترسی است که اصطلاحا به آن اکتسابی می گویند؛ یعنی هر کسی می تواند تا مرحله‌ای رشد کند که از ارتکاب هرگونه گناهی مبرا باشد؛ اما بعضی از حیطه‌های عصمت همگانی نیست. مثل طهارت آباء، دور بودن از هرگونه مریضی و نظیر آن‌که سبب تنفر می‌شود، عصمت در دوران کودکی، مصون بودن از هرگونه خطای غیر عمدی در بیان دستور الهی و... .

نکته سوم: از عقاید شیعه اثنی عشری که قائل به امامت دوازده امام به عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله هستند این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینانش دارای مقام عصمت ذاتی فوق العاده هستند که از هر خطائی مصون و محفوظند.

نکته چهارم: در رابطه با افرادی غیر از ۱۴ نور مقدس، باقی افراد عصمتشان در رسیدن به مرحله ترک تمام گناهان است؛ بنابراین حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دختر امام موسی کاظم علیه السلام در زمره آن معصومین چهارده‌گانه مورد نظر شیعه نیست و عصمتی که آن حضرت برخوردارند غیر از عصمتی است که به سبب نص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دلالت تصریحی و تأویلی قرآن اثبات می‌شود.

نتیجه اینکه: با توجه به لقب معصومه از طرف امام رضا علیه السلام نسبت به خواهرشان، عصمت از گناه ایشان مسلم است ولی به درجه‌ی عصمت اهل بیت علیهم السلام نمی‌رسد.

۵. آیا یک‌بار زیارت امام رضا علیه السلام ثواب هزار حج را دارد؟

نکته اول: از روایات متعددی به دست می‌آید که اگر انسان بخواهد کاملا به عهد و پیمانش نسبت به هرکدام از ائمه وفا کند، باید به زیارت قبورشان رود و بداند که هرکس با میل و رغبت به زیارتشان رود و مکتب آنان را تصدیق نماید مشمول شفاعتشان در روز قیامت قرار می گیرد.

«أَبو عَلِیٍّ اَلْأَشْعَرِیُّ عَنْ عَبْدِ اَللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ اَلْوَشَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ اَلرِّضَا عَلَیْهِ اَلسَّلاَمُ یَقُولُ: إِنَّ لِکُلِّ إِمَامٍ عَهْداً فِی عُنُقِ أَوْلِیَائِهِ وَ شِیعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ اَلْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ اَلْأَدَاءِ زِیَارَةَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِی زِیَارَتِهِمْ وَ تَصْدِیقاً بِمَا رَغِبُوا فِیهِ کَانَ أَئِمَّتُهُمْ شُفَعَاءَهُمْ یَوْمَ اَلْقِیَامَةِ» حسن بن وشّاء گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: برای هر امامی برعهدهٔ اولیا و شیعیاش پیمانی است و از تمام و کامل بودن وفای به عهد و بهتر ادا نمودن

آن زیارت قبور آن بزرگواران است. پس هرکس با میل و رغبت آنها را زیارت نماید و مواردی را که آنها رغبت دارند قبول نماید ائمهٔ ایشان در روز قیامت شفیعانشان خواهند بود». (بحارالانوار، ج۹۷، ص۱۱۶، ح۱)

نکته دوم: برای زیارت امام رضاعلیه‌السلام آثار و پاداش فراوانی در روایات بیان شده است:

الف: آمرزش گناهان

در حدیثی از پیامبر اکرمصلی‌الله‌علیه‌وآله آمده است: «پاره ای از بدن من در خراسان مدفون خواهد شد، هرگناهکاری که به زیارتش رود خداوند گناهانش را بیامرزد». (عیون اخبارالرضا، ج۲، ص۲۵۷، ح۱۴)

ب: هم سنگ زیارت پیامبر اکرمصلی‌الله‌علیه‌وآله

امام صادقعلیه‌السلام فرمود: «کسی که یکی از ائمهعلیهم‌السلام را زیارت کند مثل آن است که رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله را زیارت کرده است». (کامل الزیارات، ب۵۹، ص۱۴۷)

ج: زیارتی که پاداش آن بهشت است.

از حضرت جوادعلیه‌السلام نیز روایت شده که فرمود: «من از جانب خداوند متعال ضمانت بهشت می‌کنم برای کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت معرفت داشته باشد»(بحارالانوار، ج۹۹، ص۳۷، ح۲۶)

د: ثواب زیارت امام رضاعلیه‌السلام برابر با هزار حج

در روایتی بزنطی می‌گوید: نامه حضرت رضاعلیه‌السلام را خواندم، در آن نامه چنین آمده بود: «به شیعیان من بگو زیارت من به اندازه هزار حج پاداش دارد» بزنطی می‌گوید از امام جوادعلیه‌السلام از روی تعجب پرسیدم: به اندازه هزار حج؟ آن حضرت فرمود: «آری: به خدا سوگند کسی که او را زیارت کند در حالی که حق او را می شناسد، به اندازه هزار، هزار حج (یک میلیون حج) پاداش دارد». (من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۳۴۹)

نکته سوم: از حضرت جوادعلیه‌السلام نیز روایت شده که فرمود: «من از جانب خداوند متعال ضمانت بهشت می‌کنم برای کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت معرفت داشته باشد». (عیون اخبارالرضا، ج۲، ص۲۵۶، ح۷)

کلام نورانی امام جوادعلیه‌السلام نشان می‌دهد این همه ثواب که در روایات برای زیارت امام رضاعلیه‌السلام آن بیان شده، یک زیارت ساده معمولی نیست بلکه زیارتی است که «عارفا بحقها» باشد، یعنی وقتی به اینجا برای زیارت می‌آید، در افعال خود بازنگری کرده و با توبه به اصلاح خویشتن بپردازد که این سبب می‌شود، اینجا دری از درهای بهشت باشد.

۶. آیا زیارت حضرت معصومهعلیهاالسلام ماثوره و از امام معصومعلیه‌السلام صادر شده است؟

نکته اول: برخلاف برخی از زیارت نامه‌هایی که توسط علما و بزرگان دینی برای امام زادگان تدوین شده است، درباره فاطمه معصومهعلیهاالسلام این نکته حائزاهمیت است که زیارت نامه‌اش از جانب امام رضاعلیه‌السلام نقل شده است؛ در

نتیجه متن زیارت نامه موجود حضرت معصومه‌علیها‌السلام از طرف برادر بزرگوارش حضرت امام رضاعلیه‌السلام وارده شده است که از معدود امام زادگانی است که از طرف معصوم‌علیهم‌السلام برای آن، زیارت نامه‌ای خاص وارد شده است و به اصطلاح زیارت نامه ی ایشان مأثوره و از طریق معصوم‌علیهم‌السلام به ما رسیده است.

نکته دوم: علامه مجلسی‌رحمه‌الله در کتاب بحارالانوار نقل می‌کند که در بعضی از کتاب‌های زیارات دیدم که علی بن ابراهیم از پدرش و او از سَعد و او از حضرت رضاعلیه‌السلام چنین روایت کرده است: ای سعد، از ما نزد شما قبری هست، گفتم فدایت شوم قبر فاطمه‌علیها‌السلام، دختر امام کاظم‌علیه‌السلام را می‌فرمایید؟ فرمود: «آری هرکس او را زیارت کند، در حالی‌که عارف به حقش باشد، بهشت برای اوست. چون به نزد قبر آن حضرت برسی، بالای سر، رو به قبله بایست و سی و چهار مرتبه الله أکبر و سی و سه مرتبه سُبْحانَ اللّهِ و سی و سه مرتبه الْحَمْدُلِلّهِ بگو، آنگاه بخوان.» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ ق، ج۹۹، ص۲۶۶-۲۶۷)

۷. چرا امام رضاعلیه‌السلام ولایتعهدی مأمون را قبول کرد؟

نکته اول: امام رضاعلیه‌السلام ولایتعهدی را از روی اجبار و ناخشنودی پذیرفتند.

یاسر خادم روایت می‌کند که امام رضاعلیه‌السلام هنگامی که در روز جمعه از مسجد بازگشته بود و عرق و غبار بر او نشسته بود، دست های خود را بلند کرد و گفت: پروردگارا، اگر فرج من از این گرفتاری که دچارم به مرگ من است همین ساعت آن را برسان (صدوق، عیون الخبارالرضا، نشر بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۴، ج۲، ص۱۴۱)

یا در جایی که کسی سؤال می‌کند، خداوند کارهایت را اصلاح کند چگونه ولایتعهدی را از مأمون پذیرفتی امام‌علیه‌السلام فرمودند: عزیز مصر که مشرک و یوسف پیامبر بود ولی مأمون مسلمان و من وصی پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله و یوسف از عزیز مصر درخواست کرد که او را والی و حاکم کند در حالی که من مجبور بودم.

وقتی محمد بن عرفه به امام رضاعلیه‌السلام عرض کرد: ای پسر پیامبر، چه چیزی تو را بر قبول ولایتعهدی واداشت، امام به وی پاسخ داد، همان عواملی که جد مرا وادار به ورود در شورا نمود.(صدوق، عیون اخبارالرضا، ج۲، ص۱۵۲)

نکته دوم: بعد از اجباری بودن پذیرش ولایتعهدی، حضرت دو راه می توانند انتخاب کنند:

راه اول: این‌که امام‌علیه‌السلام نمی‌پذیرفت و همان طور که خود مأمون بر زبان رانده بود، امام‌علیه‌السلام را شهید می‌کرد و بعید نبود که خاصان از شیعه و طرفداران امام‌علیه‌السلام را نیز به قتل برساند و با این کار به هدفش که تثبیت قدرت باشد می‌رسید و حتی باعدم پذیرش امام‌علیه‌السلام، بگوید که علی بن موسی‌علیه‌السلام قصد داشته در حکومت او توطئه و اخلال کند و احیاناً اقدام امام‌علیه‌السلام در نظر دیگران قابل پذیرش نمی‌بود.

راه دوم: پذیرش امر ولایتعهدی که خود فوایدی را هم به دنبال داشت و انگیزه‌های امام رضاعلیه‌السلام هم از پذیرش عبارت بود از: حفظ جان خویش و دیگر اینکه یاران و شیعیان و دیگر قبول ولایتعهدی از طرف امام‌علیه‌السلام خود

اعتراف زبانی و اقرار عملی عباسیان به این حقیقت بود که علویان در امر خلافت صاحب حق هستند و بلکه سزاوارترند.

و نیز امام﵇ چون از اهداف مأمون آگاه بود و مشکلات حکومت مأمون را می‌دانست و با اتخاذ این موضع مأمون را در این بازی سیاسی شدیداً برسوایی می‌کشاند، چرا که ابتدا با ابراز مخالفت و اظهار عدم رضایت در مقابل مأمون اهداف او راخنثی کرد و بعد از قبول پیشنهاد مأمون باز فرمود: که من می‌پذیرم به شرطی که هیچ عزل و نصبی بدست من نباشد. (بحارالانوار، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۳، ج۴۹، ص۱۳۴.۵)

این‌ها خود خط بطلان بر اهداف مأمون بود و برای این‌که مردم ایشان را فراموش نکنند و امید و آرزوهایشان از آنان قطع نگردد و و از علل پذیرش ولایتعهدی توسط امام﵇ این‌که مردم شایعاتی را پیرامون آن حضرت ساخته بودند مبنی بر اینکه ایشان فقط دانشمند و فقیهی‌اند و به عمل و اقدامی که در برگیرنده خیر امت باشد اهمیتی نمی‌دهند.

نکته سوم: از فواید دیگر پذیرش ولایتعهدی می‌توان به این نکته اشاره کرد که چون مردم نیاز مبرم به وجود امام﵇ داشتند و در آن روزها امت با جریانات فکری و فرهنگی غریبی که توسط زنادقه و ملحدین که شبهات فراوانی را وارد می‌ساختند رو به رو بودند پس بر امام﵇ واجب بود که پایمردی کند و امت را نجات دهد و او در عمل با قبول ولایتعهدی کوتاه مدت خویش، این وظیفه را انجام داد.

گذشته از این، امام رضا﵇ توانست در دوران ولایتعهدی، ماهیت مأمون را برای مردم افشاء کند و آنان را به واقعیت و هدف‌های نهفته در هر اقدامی که مأمون می‌کرد آگاه سازد و هر شبهه و تردید را عملاً از بین ببرد.

امام رضا﵇ در پی قبول ولایتعهدی فرصت پیدا کرد تا به بیدارسازی امت و آشنا ساختن مردم به تعالیم اسلام بپردازد و این فرصت موجب افزایش نفوذ امام﵇ و گسترش پایگاه مردمی او شد.

۸. آیا پاداش زیارت امام رضا﵇ از زیارت امام حسین﵇ هم بالاتر است؟

نکته اول: فضیلت و ارزش زیارت امام رضا﵇ در روایات، باعظمت، بزرگ و دارای آثارمتعددی، بیان‌شده است که البته آثار و برکات به زیارت با معرفت تعلق می‌گیرد.

امام جواد﵇ فرمود: «ضَمِنْتُ لمن زَارَ أَبِی علیه السلام بِطُوسَ عَارِفاًبِحَقِّهِ الْجَنَّةَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى»؛ «هرکسی پدرم را در طوس با معرفت زیارت کند، بهشت را برای او ضمانت می‌کنم». (عیون أخبارالرضا علیه السلام، ج۲، ص۲۵۶)

نکته دوم: در روایتی از امام جواد﵇ پاداش زیارت امام رضا﵇ برتر از زیارت امام حسین﵇ بیان‌شده است که برای فهم دقیق‌تر مطلب، متن روایت را تقدیم می‌کنیم:

علی بن مهزیار از امام جواد﵇، نقل کرده که به امام﵇ عرض کردم: «جُعِلْتُ فِدَاکَ زِیَارَةُ الرِّضَا علیه السلام أَفْضَلُ أَمْ زِیَارَةُ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنِ علیه السلام؟ فَقَالَ زِیَارَةُأبی أَفْضَلُ وَ ذَلِکَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع یَزُورُهُ کُلُّ النَّاسِ وَ أَبِی لَا یَزُورُهُ إِلَّا الْخَوَاصُّ مِنَ الشِّیعَةِ»؛ «فدایتان شوم! زیارت امام رضا﵇ افضل است یا زیارت امام حسین﵇؟

حضرت جواب دادند: زیارت پدرم و این برتری به خاطر این است که امام حسین علیه السلام را همه مردم زیارت می‌کنند درحالی‌که پدرم را جز خواص شیعه زیارت نمی‌کنند». (الکافی (ط-الإسلامیة)، ج۴، ص۵۸۴)

همان‌طور که از متن روایت استفاده می‌شود، امام علیه السلام علت برتری را بیان فرمودند و آن داشتن زائرین کمتر حضرت رضا علیه السلام به خاطر سخت‌گیری عباسیان است. لذا برای تشویق مردم به زیارت حضرتشان در یک مقطع زمانی خاص و هم‌چنین به خاطر تحمل آزار و اذیت بیشتر زائرین در آن موقعیت زمانی، امام علیه السلام، زیارت حضرت رضا علیه السلام را افضل از زیارت امام حسین علیه السلام بیان فرمودند.

نتیجه اینکه: دلیل برتری پاداش زیارت امام رضا علیه السلام نسبت به امام حسین علیه السلام نسبی و مربوط به یک‌زمان و موقعیت خاص بوده است.(بحار الأنوار (ط-بیروت)، ج۹۹، ص۳۹)

۹. برای رسیدن به مقام رضا چه مراحلی را باید طی نمود؟

قطعا رسیدن به مقام رضایت به قضاء الهی، به راحتی بدست نمی‌آید و نیازمند پیش زمینه است. در روایتی از امام سجاد علیه السلام می‌خوانیم: «الزهد عشرة أجزاء فأعلى درجات الزهد أدنى درجات الورع و أعلى درجات الورع أدنى درجات اليقين و أعلى درجات اليقين أدنى درجات الرضا» زهد ده درجه دارد بالاترین درجه زهد پایین‌ترین درجه ورع است و بالاترین درجه ورع پایین‌ترین درجه یقین است و بالاترین درجه یقین پایین‌ترین درجه خشنودی [از خدا] است.(الکافی (ط - الإسلامیة)، ج۲، ص۶۲)

با توجه به روایتی که ذکر شد زهد، ورع و یقین پیش زمینه‌های لازم برای رسیدن به مقام رضاست. یعنی اگر کسی خواست به چنین جایگاهی برسد و راضی به قضای الهی باشد باید از پل زهد و ورع و یقین رد شود. در ذیل به ترتیب مفهوم این سه اصطلاح اخلاقی را متذکر می‌شویم.

«در فرهنگ اسلام زهد به این معنا نیست که انسان از مال و منال دنیوی برخوردار نباشد، بلکه رکن اساسی و حقیقت زهد آن است که آدمی اسیر دنیا و مظاهر آن نگشته و در عین بهره مندی از آن، امیر و حاکم بر آن باشد؛ زهد دل کندن از دنیا و پرهیز از آمال و آرزوهایی است که تعلق به آنها انسان را زمین گیر می‌سازد». (جوادی آملی، عبدالله؛ مراحل اخلاق در قرآن، ج۱۱، ص۱۷۸)

ورع نیزدر اصل به معنای بازداشتن نفس از محارم و گریز از آنهاست.

امام علی علیه السلام درباره ورع می‌فرمایند: «الْوَرَعُ الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبْهَةِ» (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص۶۸)

ورع و پرهیزگاری توقف دربرابر شبهات است؛ یعنی ورع تنها توقف در برابر حرام نیست بلکه توقف کردن در امور شبهه ناک را نیز شامل می‌شود.

یقین نیزدر اصطلاح، اعتقاد و باور محکم و استواری است که مطابق با حقیقت باشد و به هیچ وجه امکان زوال و احتمال خلاف در او راه ندارد. (طوسی، خواجه نصیرالدین، ج۱، ص۹۶، اوصاف الاشراف)

باتوجه به آنچه گفته شد راه رسیدن به مقام رضا این است که انسان وادی زهد و وادی ورع و وادی یقین را پشت سر بگذارد. کسی که به دنیا و مظاهرش تعلق قلبی دارد نمی‌تواند زهد را در وجود خود پرورش دهد و کسی که زاهد نباشد صاحب ورع نیز نخواهد شد چرا که توان توقف در برابر امور شبهه ناک را ندارد و کسی که ورع را در خود نپروراند قطعا توان رسیدن به یقین را نخواهد داشت و چنین کسی مقام رضا را تجربه نخواهد کرد.

۱۰. دلیل عدم ازدواج حضرت معصومه علیها السلام چیست؟

نکته اول: در این که حضرت معصومه علیها السلام ازدواج نکرده اتفاق نظر هست.

نکته دوم: در مورد علت عدم ازدواج ایشان سه نظر وجود دارد:

علت اول: وصیت امام موسی کاظم علیه السلام نسبت به عدم ازدواج دختران که البته این نظریه را نمی توان پذیرفت چون در اصول کافی آمده است که حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام کار شوهر کردن و شوهر دادن دخترانش را به پسرش حضرت امام رضا علیه السلام واگذار کرد و فرمود: اگر علی خواست آنان را شوهر می‌دهد و اگر نخواست شوهر نمی‌دهد. (اصول کافی، ج اول، ص۳۱۶، حدیث۱۵)

پس امام کاظم علیه السلام از ازدواج نهی نفرموده‌اند.

علت دوم: خفقان شدید هارونی باعث شد که دختران امام موسی بن جعفر علیه السلام نتوانند ازدواج کنند و در عصر هارون خفقان و استبداد و ستم به جایی رسید که کسی جرأت نداشت به خانه امام موسی بن جعفر علیه السلام رفت و آمد کند. اگر کسی نتواند به خانه امام علیه السلام رفت و آمد داشته باشد، به طور یقین نمی‌تواند خیال دامادی آن حضرت را در سر بپروراند. (زندگانی کریمه اهلبیت علیهن السلام، مهدی پور، نشر حاذق، ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۱۵۰)

اگر بخواهیم این مسأله را بیشتر توضیح بدهیم باید بگوییم که هارون می‌خواست کاری کند که نسل امام موسی بن جعفر علیه السلام کم گردد و یکی از راه های این، جلوگیری از ازدواج زنان و دختران این خاندان است و بطور طبیعی اگر دختران و زنان شوهر نکنند، نسل آل علی علیه السلام کم می‌شود و کمی این نسل برای دستگاه خلافت بسیار مطلوب بود و علت کشتار آن همه سادات هم می‌تواند همین باشد که این نسل برافتد.

علت سوم: نبود هم کفو برای حضرت. درباره کفویت گفتنی است؛ کفو و هم شأن بودن به معنای هم درجه و همسان بودن در مقامات معنوی نیست؛ بلکه کفو این است که زن و شوهر در کمالات معنوی و صفات درونی ضد هم نباشند.

ازدواج رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام با زنان بهترین دلیل بر باطل بودن این فرض هست.

۱۱. آیا حضرت معصومه علیها السلام مقام شفاعت دارد؟

مرحوم علامه مجلسی رحمه الله روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند: «إِنَّ لِلَّه حَرَماً وَ هُوَ مَكَّةُ أَلَا إِنَّ لِرَسُولِ اللَّه حَرَماً وَ هُوَ الْمَدِينَةُ أَلَا وَ إِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَماً وَ هُوَ الْكُوفَةُ أَلَا وَ إِنَّ قُمَّ الْكُوفَةُ الصَّغِيرَةُ أَلَا إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا إِلَى قُمَّ تُقْبَضُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وُلْدِي اسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى وَ تُدْخَلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِم.»

خداوند حرمی دارد که آن مکه است و رسول‌الله صلی الله علیه و آله حرمی دارد و آن مدینه است و امیرالمؤمنی علیه السلام حرمی دارد و آن کوفه است و قم، کوفه کوچک است. به‌درستی که بهشت هشت درب دارد که سه درب آن به قم باز می‌شود. زنی از فرزندان من در قم از دنیا می‌رود که اسمش فاطمه دختر موسی علیه السلام است و به شفاعت او همه شیعیان من وارد بهشت می‌شوند. (بحارالانوار، ج ۵۷، ص۲۲۸)

بر اساس این روایت نورانی و همچنین مقام بالای معنوی حضرت معصومه علیها السلام، مقام شفاعت کنندگی ایشان برای کسانی که قابلیت آن را داشته باشند مسلم هست.

۱۲. بستن بیماران به پنجره فولاد امام رضا علیه السلام ریشه ی دینی دارد یا خرافه است؟

نکته اول: توسل و واسطه قرار دادن اهل بیت علیهم السلام از مسلمات قرآنی و روایی می‌باشد.

در قرآن کریم ماجرای توسل برادران حضرت یوسف علیه السلام به پدرشان حضرت یعقوب علیه السلام برای پذیرش توبه‌شان بیان شده است. (یوسف/۹۷)

نکته دوم: بعضی از رفتارها خارج از سیره و عرف همه اقوام و ملل مسلمان است به طوری که کارهایی چون قفل زدن به پنجره و گره زدن سبزه و بستن گردن به درب و پنجره اماکن مقدس و یا گره زدن پارچه به درخت و ضریح کارهای غیرعقلانی و خرافیست.

نتیجه اینکه: بستن بیماران به پنجره فولاد ریشه‌ی دینی ندارد و خرافه‌ای بیش نیست.

۱۳. کسی که حضرت معصومه علیها السلام را زیارت کند بهشت بر او واجب است، آیات گناه زایران هنگام زیارت بخشیده می‌شود؟

در روایات زیادی از حضرت رضا علیه السلام و فرزند بزرگوارشان حضرت جواد علیه السلام، نقل شده است که: من زارها فله الجنه؛ (بحار النوار، ج ۹۹، ص ۲۶۵، حدیث اول) هر کس حضرت فاطمه معصومه (س) را در قم زیارت کند، از برای اوست بهشت».

شیخ صدوق به سندی صحیح از سعد بن سعد از امام رضا علیه السلام و نیز از امام جواد علیه السلام، عین همین روایت بالا را آورده است.(شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۱۱۰۶)

علامه مجلسی از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده که آن حضرت علیه السلام فرمود: ای سعد، نزد شما قبری است از ما، سعد گفت: گفتم: فدای تو شوم، قبر فاطمه دختر امام موسی علیه السلام را می فرمایی؟ امام علیه السلام فرمود: بلی من زارها

عارفاً بحقها فله الجنه؛ هر که او را زیارت کند در حالی که حق او را بشناسد از برای اوست بهشت». سپس حضرت علیه السلام کیفیت زیارت آن حضرت را بیان فرمود.(همان، ص ۱۱۰۷)

هم چنین از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: خدای را حرمی است و آن مکه است و پیغمبر صلی الله علیه و آله را حرمی است و آن مدینه است و امیرالمؤمنین علیه السلام را حرمی است و آن کوفه است و ما را حرمی است و آن قم می‌باشد و زنی از فرزندانم در آن دفن شود به نام فاطمه علیها السلام که هر کس او را زیارت کند، بهشت او را واجب شود. (بحارالانوار، ج۹۹، ص۲۶۷، حدیث۵)

بنابر این روایت، اگر کسی حق آن بزرگوار و پدر و برادر و خاندانش علیهم السلام را بداند و عارفانه آن حضرت علیها السلام را زیارت کند و حقوق خدا و مردم را ادا نماید و دیگر تصمیم بر گناه نداشته باشد، قطعا بهشت جاودان بر او واجب میگردد. اگر چه زیارت کردن آن بزرگوار، امکان دسترسی به چنین توفیقی را، برای انسان مهیا و آماده میکند. ضمن این که انسان در فردای قیامت از شفاعت آن حضرت و خاندان کریمش علیهم السلام بهره‌مند خواند شد. إن‌شاءاللّه.

۱۴. اگر اهل بیت علیهم السلام به احوالات همه آگاه هستند، چه نیازی به حضور در حرم آنها جهت زیارت است؟

نکته اول: آگاهی اهل بیت علیهم السلام نسبت به تمام احوالات بندگان به اذن پروردگار عالم از مسلمات قرآنی و روایی هست. «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (توبه/۱۰۵) و بگو: عمل کنید یقیناً خدا و پیامبرش و مؤمنان اعمال شما را می بینند و به زودی به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانده می شوید، پس شما را به آنچه همواره انجام می دادید، آگاه می کند.

نکته دوم: توسل به آل الله علیهم السلام منحصر در زمان و مکان خاصی نیست و هر فردی در هر زمان و مکانی می‌تواند متوسل به آل الله علیهم السلام شود.

نکته سوم: زیارت مضجع شریف اهل بیت علیهم السلام تنها و فقط برای عرضه ی حاجات محضر آن بزرگواران نیست و برای این مهم فوائد متعددی قابل بیان است.

۱. ارتباط با خدا

۲. زیارت اعلام و ابراز محبت به خدا است

۳. تکریم و تعظیم انسان کامل

۴. تجدید بیعت با انسان کامل

۵. زیارت، ارتباط با انسان کامل و وصل شدن به جوهر انسانیت است.

۶. زیارت امامان علیهم السلام، ایمان و اظهار تواضع در برابر دین است.

۷. اعراض از دنیا، یاد مرگ و دور ساختن موانعی که او را از مسیر کمال باز می‌دارد.

۸. دین اسلام به بعد اجتماعی مسائل تأکید زیادی دارد؛ مانند حج، نماز جماعت و حضور در اجتماعات و... .

نتیجه اینکه: حضور در حرم اهل بیت‌علیهم‌السلام و زیارت آن بزرگواران فواید و برکات معنوی، فرهنگی و سیاسی فراوانی هست که نزدیک بودن به اجابت دعا یکی از برکات می‌باشد.

۱۵. حضور قبور امام رضاعلیه‌السلام در ایران چه فایده‌ای برای ملت ایران دارد؟

بی‌شک باید حضور امام رضاعلیه‌السلام را در ایران نقطه عطفی در تاریخ تشّیع این منطقه به شمار آورد. علی‌رغم همه محدودیت‌هایی که مأمون برای جلوگیری از فعالیت امام رضاعلیه‌السلام و ارتباط شیعیان با امام‌علیه‌السلام به وجود آورده بود، بارزترین موضوع در سیره امام رضاعلیه‌السلام از مدینه تا مرو، تلاش حضرت برای معرفی جایگاه معصومین‌علیهم‌السلام در این فرصت است.

امام رضاعلیه‌السلام از لحظه حرکت از مدینه تا مرو، از روش‌های گوناگون برای شناساندن شیعه بهره برد. امام‌علیه‌السلام در طول مسیر، احادیث را از طریق پدرانش به حضرت علی و پیامبرعلیهم‌السلام می‌رساند. این بهترین روش برای معرفی مکتب تشیع و خنثی کننده توطئه‌هایی بود که شیعه را خارج از دین می‌شمرد.

تشیع ایرانیان، امری از روی اجبار نبوده است، بلکه ایرانیان، اسلام و تشیع را با روح خود سازگار دیدند و فطرت عدالت‌خواهانه آنان، علی‌علیه‌السلام و فرزندش امام رضاعلیه‌السلام را مظهر عدالت و صدق و راستی یافتند. از این رو دعوت ایشان را لبیک گفتند.

عوامل تأثیرگذار در گسترش تشیع در ایران پس از هجرت تاریخی امام رضاعلیه‌السلام را می‌توان چنین بر شمرد:

۱. تأثیر شخصیت علمی، معنوی و شیوه‌های اخلاقی و رفتاری امام رضاعلیه‌السلام

۲. مهاجرت فرزندان ائمه‌علیهم‌السلام، به ویژه‌ی حضرت معصومه‌علیهاالسلام به ایران

۳. فطرت دینی و روح عدالت‌خواهی ایرانی‌ها

۴. بنای مساجد و مدارس علمی و تشکیل کلاس‌های درس برای آموزش علوم اسلامی و فرهنگی شیعی توسط امام‌علیه‌السلام و یاران‌شان

۵. حضور فقها، راویان، عالمان و وکلای امام‌علیه‌السلام در ایران

۶. پیدایش نهضت‌ها و جنبش‌های شیعی در ایران

۷. تشکیل حکومت‌های شیعی

۸. تبعیض و بی‌عدالتی‌های حکومت‌های ساسانی، اموی و عباسی

۹. خراج‌های سنگین تحمیل شده بر مردم

در پایان باید گفت حضور نزدیک به سه ساله امام رضاعلیه‌السلام در خراسان و بعدها مقبره آن حضرت در ایران، موجب استحکام و گسترش تشیع در ایران گردید. آمدن امام رضاعلیه‌السلام به ایران، جا به جایی در جغرافیای عالم اسلام را به وجود آورد؛ تشیع به ایران منتقل و از این جا به دنیا منتشر شد.

۱۶. جایگاه امامزاده احمد بن موسی علیه‌السلام مشهور به «شاهچراغ» از نظر علمی چیست و رابطه ایشان با امام رضا علیه‌السلام چگونه بوده است؟

نکته اول: هر چند نسبت به شخصیت احمد بن موسی علیه‌السلام و زندگانی ایشان اطلاعات زیادی موجود نمی‌باشد ولی برخی شواهد و قرائن بیان‌گر این موضوع هستند که ایشان در آن زمان، میان شیعیان از جایگاه والایی برخوردار بودند.

عده‌ای بعد از شهادت موسی بن جعفر علیه‌السلام به امامت ایشان قائل و به فرقه‌ی احمدیه معروف شدند.(شهرستانی، عبدالکریم، الملل و النحل، قم، الشریف الرضی، چاپ سوم، ۱۳۶۴ ش، ج۱، ص۱۹۹) البته واضح است که گرایش مردم به احمد بن موسی علیه‌السلام و جانب داری گروهی از امامت وی نه تنها از منزلت او نمی‌کاهد، بلکه مبین عظمت روحی و فضائل معنوی ایشان است؛ چرا که خود ایشان هیچگاه چنین ادعایی نداشتند و از سویی کمالات اخلاقی و رفتاری ایشان سبب میشد تا برخی گمان به امامت ایشان داشته باشند.

نکته دوم: در مورد شخصیت علمی احمد بن موسی علیه‌السلام نقل شده ایشان فردی محدث و عالم به قرآن بوده و در سخنوری نیز از نهایت فصاحت و بلاغت برخوردار بوده است و برخی معاصرین او را در زمره محدثانی می‌شمارند که احادیث زیادی از پدر و اجداد بزرگوارش نقل کرده است. (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ دوم،۱۳۶۲ ش، ج۴، ص۴۰۶)

نکته سوم: برخی پس از شهادت امام هفتم علیه‌السلام معتقد به امامت احمد بن موسی علیه‌السلام شدند؛ اما ایشان هیچگاه مدعی امامت نبود؛ بلکه با صراحت اعلام کرد: «همانطور که شما در بیعت من هستید، من در بیعت برادرم علی بن موسی الرضا علیه‌السلام هستم؛ او ولی خدا، پیشوا و جانشین پس از پدرم است». سپس همگان با علی بن موسی علیه‌السلام بیعت کردند و امام رضا علیه‌السلام در حق برادرش دعا نمود.(مجلسی، بحارالانوار، ج۴۸، ص۳۰۸)

از این قضیه برداشت می‌شود که اولاً: احمد بن موسی تابع ولایت و رهبری امام زمان خویش امام کاظم و امام رضا علیهماالسلام بوده و این قرابت و نزدیکی ایشان به امام رضا علیه‌السلام و برخورد همراه با ادب و احترام نسبت به امام علیه‌السلام خود، نشان دهندهٔ معرفت عمیق ایشان نسبت به این مقام الهی است. ثانیاً برخلاف بسیاری که به دنبال نسبت دادن چنین مناصبی به خود بودند، ایشان نه تنها خود را تابع امام رضا علیه‌السلام دانستند، بلکه مردم را به امام زمان خویش نزدیک کردند و باعث هدایت مردم گردیدند.

۱۷. در حرم زینبیه اصفهان چه کسی مدفون مباشد و آیا دارای سند و معتبر است؟

نکته اول: در محله ی ارزنان(زینبیه) اصفهان، یکی از دختران حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام مدفون می‌باشند.

حضرت زینب علیهاالسلام فرزند بلافصل ایشان بوده و همراه خواهر بزرگوارشان که در خیابان کاشانی اصفهان مدفون می‌باشند به اصفهان وارد شده بودند. (گوهر نهفته، ص۲۳)

نکته دوم: تعدادی از علمای بزرگ شیعه یا در کتاب مستقلی که مخصوص حضرت زینب علیها السلام نوشته شده و یا در قسمتی از کتاب خود به شرح حال ایشان پرداخته اند.

اعتراف مشترک علمای بزرگوار این است که: «حضرت زینب علیها السلام مدفون در ارزنان اصفهان دختر بلافصل حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌باشند.»

یکی از مهم‌ترین این کتاب ها، کتاب شریف منتهی الآمال، تألیف مرحوم شیخ عباس قمی رحمه الله نویسنده کتاب مفاتیح‌الجنان می‌باشد.

این کتاب شرح زندگی امامان معصوم علیهم السلام و فرزندان ایشان است و بر اساس اسناد روایی و تاریخی نوشته شده است.

مرحوم محدث قمی رحمه الله در خصوص زندگینامه حضرت موسی ابن جعفر علیه السلام می گوید: در بین دختران ایشان دختری هست به نام زینب علیها السلام که در محله ارزنان اصفهان مدفون است.

ایشان جهت بررسی و قطعیت این مورد یکی از علمای مورد اعتماد خود به نام سعیدالعلما رحمه الله را مامور می کنند که به اصفهان سفر کند و این موضوع را از علمای اصفهان و مردم منطقه سوال کند، که در نتیجه این تحقیق و مطالعات قبلی شیخ عباس قمی رحمه الله، سندیت و حضور دختر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام برای ایشان احراز شده و در کتاب منتهی الامال ثبت می‌شود.

نکته سوم: از جمله کتاب‌هایی که در مورد حضرت زینب علیها السلام نوشته و چاپ شده است، کتاب «گوهر نهفته» نوشته سید مصلح الدین مهدوی و کتاب «خواهر خورشید» نوشته معلم حبیب آبادی است.

همچنین مرحوم آیت‌الله مبارکه‌ای رحمه الله در خصوص معرفی شخصیت حضرت زینب علیها السلام کتابی به عنوان «نورالانوار فی کشف احوال زینب بنت موسی بن جعفر علیهما السلام» نوشته‌اند که چاپ قدیمی دارد و هم‌اکنون یک نسخه از آن در کتابخانه آیت الله بروجردی رحمه الله واقع در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام موجود می‌باشد.

نکته پایانی: حرم مطهر حضرت زینب بنت موسی بن جعفر علیهما السلام، امروزه به یکی از مراکز مهم فرهنگی شهر اصفهان تبدیل شده و علاوه بر حضور زائران مختلف از کشورهای گوناگون، محلی برای نشر معارف آل الله علیهم السلام است که پاسخگویی مستمر چهره به چهره به زائران و مجاوران یکی از این فعالیت‌هاست.

۱. کرامت در اخلاق اسلامی به چه معناست؟

کرامت در اخلاق اسلامی به معنای ارزش و عظمت انسانی است و نوعی دل کندن از طبیعت است. یعنی انسان دارای ویژگی‌هایی است که او را از سایر موجودات متمایز می کند و به او عزت و شرف می بخشد.(جوادی آملی، عبدالله، کرامت در قرآن، ص ۲۱- ۲۲، رجاء، چاپ اول، ۱۳۶۶ش) کرامت نه تنها باعث ارزش بخشیدن به انسان است که باعث حفظ حرمت‌ها در تعاملات و ارتباطات اجتماعی است. به همین خاطر انسان کریم به کسی گفته می‌شود که دل از طبیعت مادی می کند و با غرق شدن در امور حیوانی ارزش خود را پایین نمی‌آورد. انسان کریم چون دل به طبیعت مادی نمی‌بندد، از تنفر و دشمنی و زشتی‌ها خود را دور نگه می‌دارد. به همین خاطر بعضی از بزرگان همچون شهید مطهری﵀، کرامت را زیر بنای مباحث اخلاقی معرفی کرده‌اند. کرامت در حقیقت تسلط اراده بر امیال، عفت بر بی‌عفتی، تسلط عقب بر شهوت و غضب، حاکیت عدالت بر ظلم، و تسلط شهامت بر ترس است.

۲. انسان کریم چه ویژگی‌هایی دارد؟

با توجه به معنای کرامت که حفظ ارزش‌های انسانی است؛ انسان کریم، انسانی است که در رعایت حقوق الهی و انسانی پیشگام است. حقوق فردی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را به خوبی رعایت می کند. انسان کریم به خاطر منافع دنیایی اخلاق الهی را زیر پا نمی گذارد. اهل ارتباط صحیح اخلاقی با دیگران است. از دروغ و کینه و دشمنی خود را دور نگه می‌دارد. انسان کریم نه تنها اهل تبعیض و نابرابری نیست که از هر نوع تبعیضی بیزار است. اهل آسیب زدن به شخصیت دیگران نیست. انسان کریم، انسانی است که به دلیل حفظ ارزش‌های انسانی و اخلاقی با تغییر شرایط محیطی، اخلاق و رفتار او تغییر نمی کند. برای او فرقی نمی کند که در اقلیت است یا اکثریت، در خلوت است یا در جمع، کار درست را انجام می‌دهد. با بدی دیگران و با آمدن سختی‌ها و موانع دست از کار خوب نمی کشد.(کرامت در قرآن، ص۲۲)

۳. عوامل مؤثر در ایجاد اخلاق کریمانه کدام است و راه رسیدن به کرامت چیست؟

برای داشتن اخلاق کریمانه در یک قاعده کلی مراقبت از سلامت جسم، مدیریت احساسات و بلوغ عاطفی، تقویت معنویت، داشتن هدف و معنا در زندگی لازم است. (المیزان، ۱۳/ ۲۱۴)

به هرحال برای داشتن اخلاق کریمانه عوامل متعددی وجود دارد: یکی دقت در شرایط محیطی و نوع معاشرت‌ها است. بر اساس تحقیقات علمی در حوزه روانشناسی و با توجه به اخلاق اسلامی نقش محیط در ایجاد شخصیت و گرایش انسان‌ها از مهم‌ترین عوامل تغییر شخصیتی است. دوم توجه به روحیه عزتمندی و احساس شایستگی است. فردی که از درون احساس کند انسان بی‌ارزشی است یا کسی او را دوست ندارد، این فرد در معرض آسیب است. سوم داشتن ارتباط معنوی با خدا است. ارتباط با خدا عامل خودنگهداری انسان در برابر بدی‌ها و تشویق به

سمت خوبی‌هاست. چهارم تقویت هدفمندی در زندگی است. انسانی که فاقد هدف صحیح در زندگی باشد خود را در معرض بدی‌ها قرار خواهد داد. پنجم تقویت تاب آوری و صبر است. در مسیر زندگی گرفتاری‌ها وجود دارد و انسان کریم با استفاده از تاب‌آوری اقدام به هر رفتاری و هر واکنشی نمی‌کند. ششم توجه به سبک زندگی است. قطعا سبک زندگی در ایجاد کرامت انسانی مؤثر است.

۴. تفاوت انسان کریم و انسان لئیم از منظر قرآن کریم چیست؟

انسان کریم در منطق قرآن کریم انسانی است که دارای تقوا باشد چنانچه در سوره حجرات فرمود: «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» یعنی با کرامت ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست. (حجرات/۱۳)

بنابراین برای شناخت انسان کریم در قرآن باید به دنبال شاخصه‌های تقوا بگردیم. یعنی در منطق قرآن، انسان با تقوا کیست و چه ویژگی‌هایی دارد. در ابتدای سوره بقره خدای متعال انسان با تقوا را اینگونه معرفی می‌کند: «متقین کسانی هستند که ایمان به غیب دارند.» (بقره/۳) یعنی از یک نگرش فرامادی برخوردارند. اهل اقامه نماز هستند؛ یعنی زندگی را منحصر در کارهای مادی نمی‌دانند و ارتباط با خدا را عامل زنده نگه‌داشتن روح خود می‌دانند و هر روزه جایگاه ویژه‌ای برای ارتباط با خدا در زندگی خود دارند. اهل انفاق‌اند؛ یعنی اهل تعامل و همبستگی و نوع دوستی هستند. ایمان به کتاب الهی و رسولان الهی و روز آخرت دارند؛ یعنی سبک زندگی آن‌ها بر مبنای دین الهی می‌باشد و از خودمحوری فاصله می‌گیرند و زندگی را منحصر در حیات زمینی نمی‌دانند. بر خلاف افراد لئیم که با غرق شدن در گناه و لذت‌های دنیایی روح خود را آلوده به بدی‌ها می‌کنند و زندگی را منحصرا در زندگی دنیایی و لذات حیوانی معنا می‌کنند.

۵. دهه کرامت یادآور چه معنایی در زندگی است؟

دهه کرامت به مناسبت ولادت حضرت معصومه علیها السلام و امام رضا علیه السلام در فرهنگ اسلامی ایران گرامی داشته می‌شود. این دهه یادآور چنین معناهایی در ذهن است: ۱. احترام به اهل بیت علیهم السلام؛ این ایام فرصتی برای تجلیل از شخصیت‌های بزرگوار اهل بیت علیهم السلام و الگوگیری از سیره آن‌هاست. ۲. تقویت روحیه معنوی؛ دهه کرامت به عنوان زمانی برای تقویت ایمان و ارتباط با خداوند و اهل بیت علیهم السلام شناخته می‌شود. ۳. گسترش محبت و نوع‌دوستی؛ در این ایام، فعالیت‌های خیریه و اقدامات نیکوکارانه افزایش می‌یابد و مردم به یکدیگر کمک می‌کنند. ۴. آموزش و ترویج فرهنگ دینی؛ برگزاری برنامه‌های فرهنگی و مذهبی و آموزشی در این دهه به منظور آشنایی بیشتر با آموزه‌های دینی و سیره اهل بیت علیهم السلام صورت می‌گیرد. به طور کلی، دهه کرامت نمادی از محبت، نوع‌دوستی و تقویت ایمان در جامعه اسلامی است. دهه کرامت یادآور عظمت و جلالیت و نورانیت و معنویت این شخصیت بزرگوار است که فرصت ارتباط گیری و الگوبرداری از آن بزرگواران را باید مغتنم شمرد.

۶. از منظر امام رضاعلیه‌السلام راه سعادت و خوشبختی انسان چیست؟

از منظر امام رضاعلیه‌السلام، راه سعادت و خوشبختی انسان به چندین عامل کلیدی وابسته است که می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. ایمان و تقوا؛ ایمان به خداوند و عمل به دستورات دینی از مهم‌ترین عوامل سعادت است. امام رضاعلیه‌السلام بر اهمیت تقوا و پرهیزگاری تأکید دارند و معتقدند که این ویژگی‌ها انسان را به سمت خوشبختی هدایت می‌کند. چنانچه در حدیث معروف سلسله الذهب حضرت، قلعه امن را کلمه الله معرفی کردند و همه مردم را به توحید فراخواندند.(شیخ صدوق، التوحید، ۱۳۸۹ق، ص۲۵)

۲. علم و دانش؛ امام رضاعلیه‌السلام به علم و دانش اهمیت زیادی می‌دهند. ایشان بر این باورند که کسب علم نه تنها انسان را به سعادت نزدیک می‌کند بلکه به او کمک می‌کند تا در زندگی خود تصمیمات بهتری بگیرد. چنانچه در کتاب مسند امام رضاعلیه‌السلام روایتی از امام رضاعلیه‌السلام آمده که فرمودند: «ان العلم حیات القلوب من الجهل و ضیاء اللابصار من الظلمه و قوه الابدان من الضعف، و به یبلغ العبد منازل الاخیار و مجالس الابرار».(الامالی لطوسی، ص۴۸۸) یعنی زنده شدن دل‌ها از طریق آگاهی است و به سبب آگاهی انسان از تاریکی نجات پیدا می‌کند و حتی باعث قوت بدن انسان می‌شود. و در ادامه رسیدن به جایگاه خوبان و شایستگان را از کانال آگاهی و علم معرفی فرمودند. ۳. اخلاق نیکو؛ رفتار خوب و اخلاق نیکو از دیگر عوامل مهم در رسیدن به سعادت است. امام رضاعلیه‌السلام تأکید می‌کنند که انسان باید با دیگران با محبت و احترام رفتار کند. ۴. خدمت به دیگران؛ خدمت به مردم و کمک به نیازمندان یکی از راه‌های رسیدن به خوشبختی است. امام رضاعلیه‌السلام بر اهمیت این موضوع تأکید دارند و معتقدند که انسان با خدمت به دیگران به آرامش و رضایت درونی می‌رسد. ۵. صبر و شکرگزاری؛ صبر در برابر مشکلات و شکرگزاری از نعمت‌ها نیز از اصول مهم سعادت است. امام رضاعلیه‌السلام به صبر در سختی‌ها و شکرگزاری در برابر نعمت‌ها توصیه می‌کنند. به طور کلی، از دیدگاه امام رضاعلیه‌السلام، سعادت و خوشبختی انسان در گرو ایمان، علم، اخلاق نیکو، خدمت به دیگران و صبر و شکرگزاری است. این عوامل نه تنها به فرد کمک می‌کنند تا به آرامش درونی برسد، بلکه روابط او با دیگران را نیز تقویت می‌کنند.

۷. مهمترین ویژگی های تربیتی دهه کرامت برای دختران جامعه اسلامی چیست؟

دهه کرامت، که به ویژه به مناسبت ولادت امام رضاعلیه‌السلام و خواهر بزرگوار ایشان، حضرت معصومه‌علیهاالسلام گرامی داشته می‌شود، فرصت مناسبی برای توجه به ویژگی‌های تربیتی و فرهنگی دختران در جامعه اسلامی است. مهم‌ترین ویژگی‌های تربیتی این دهه برای دختران عبارتند از: ۱. تقویت هویت اسلامی؛ دختران باید با تاریخ و شخصیت‌های بزرگ اسلامی، به ویژه حضرت معصومه‌علیهاالسلام و امام رضاعلیه‌السلام آشنا شوند تا هویت اسلامی خود را تقویت کنند. ۲. تربیت اخلاقی نیکوکاری و محبت: آموزش رفتارهای نیکو، محبت به دیگران و خدمت به جامعه از اصول مهم تربیت اخلاقی دختران است. احترام به خانواده و تأکید بر ارزش‌های خانوادگی و احترام به والدین و بزرگ‌ترها از جمله آموزه‌های دهه کرامت برای دختران جامعه است. ۳. علم‌آموزی و دانش‌اندوزی و تشویق

به تحصیل: ترغیب دختران به ادامه تحصیل و کسب علم، به‌ویژه در زمینه‌های دینی و علوم انسانی و توسعه تفکر انتقادی و ایجاد فضایی برای پرسشگری در بین دختران از جمله ویژگی‌های تربیتی دهه کرامت است. ۴. تقویت روحیه استقلال و آموزش مهارت‌های زندگی: فراهم کردن فرصت‌های یادگیری مهارت‌های زندگی و شغلی برای دختران به منظور تقویت استقلال آن‌ها و تشویق به تصمیم‌گیری و ایجاد فضایی که دختران بتوانند در تصمیم‌گیری‌های خود مستقل عمل کنند. ۵. ترویج فضایل دینی و آموزش عبادات و مناسک: آموزش اصول و آداب عبادات و مناسک دینی به دختران برای تقویت ارتباط آن‌ها با خداوند و توجه به دعا و نیایش و تشویق به دعا و نیایش به عنوان راهی برای آرامش روحی و نزدیکی به خدا از دیگر ویژگی‌های تربیتی این دهه کرامت است.

بنابراین، دهه کرامت فرصتی است برای تقویت هویت اسلامی، تربیت اخلاقی، علم‌آموزی، روحیه استقلال و ترویج فضایل دینی در دختران. این ویژگی‌ها نه تنها به رشد فردی آن‌ها کمک می‌کند بلکه به ساختن جامعه‌ای سالم و متعادل نیز منجر می‌شود. به عبارتی دهه کرامت به دختران جامعه اسلامی این نگرش و باور را تزریق می کند که موفقیت و رشد در پناه عفاف و حفظ ارزشهای اخلاقی و رعایت احکام دینی امکان پذیر است. دختران جامعه با توجه به دهه کرامت باید کرامت نفس خویش را از طریق جریانهای فمینیستی و یا افکار غرق در شهوت پرستی از دست ندهند و برای خود و بدن و عمرشان ارزش و احترام قائل باشند.

۸. از دهه کرامت چه ویژگی‌های اخلاقی را می‌توان برداشت کرد؟

دهه کرامت، با توجه به مناسبت‌های مهمی چون ولادت امام رضا علیه‌السلام و حضرت معصومه علیهاالسلام، ویژگی‌های اخلاقی متعددی را به همراه دارد. مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی این دهه عبارتند از: ۱. محبت و مهربانی به اهل بیت علیهم¬السلام: محبت به اهل بیت علیهم‌السلام و الگوبرداری از رفتارهای آنان در زندگی روزمره، به ویژه محبت به خانواده و دوستان از درسهای این دهه کرامت است. ۲. احترام به والدین و بزرگ‌ترها و توجه به خانواده: تأکید بر احترام و محبت به والدین و بزرگ‌ترها به عنوان یک ارزش اخلاقی اساسی است. ۳. صبر و استقامت و تحمل سختی‌ها: با توجه به سبک وسیره زندگی امام رضا و خواهر بزرگوارشان علیهماالسلام صبر و استقامت از ویژگی‌های منحصر به فرد شمرده می‌شود. بنابراین یادگیری صبر در برابر مشکلات و چالش‌ها، به ویژه در زندگی اجتماعی و خانوادگی و استقامت در دین و تقویت روحیه استقامت و پایداری در اصول و ارزش‌های دینی از درسهای مهم این دهه کرامت است. ۴. خدمت به دیگران و خدمت به جامعه: تشویق به خدمت‌رسانی و کمک به نیازمندان و افراد آسیب‌پذیر و نیکوکاری و ترویج فرهنگ نیکوکاری و همکاری با دیگران در امور خیر از درس‌های مهم دیگر این دهه کرامت است. ۵. توجه به علم و دانش و علم‌آموزی: تأکید بر اهمیت علم و دانش به عنوان ابزاری برای رشد فردی و اجتماعی و تقویت روحیه پرسشگری و تشویق به پرسشگری و جستجوی حقیقت به عنوان یک ویژگی اخلاقی است که از توجه به سیره رضوی می توان به اهمیت آن پی‌برد. ۶. توبه و اصلاح نفس و توجه به خودسازی:

تأکید بر اهمیت خودسازی و تلاش برای اصلاح رفتارها و نیت‌ها و توبه و یادآوری اهمیت توبه و بازگشت به سوی خداوند به عنوان راهی برای پاکسازی روح از ویژگی‌های دیگر اخلاقی است. دهه کرامت نه تنها به عنوان یک زمان برای جشن و شادی، بلکه به عنوان فرصتی برای تقویت ویژگی‌های اخلاقی نظیر محبت، احترام، صبر، خدمت، علم‌آموزی و خودسازی شناخته می‌شود. این ویژگی‌ها می‌توانند به بهبود روابط اجتماعی و فردی در جامعه کمک کنند.

۹. نقش دهه کرامت در الگوسازی و انسان‌سازی چیست؟

دهه کرامت، با توجه به مناسبت‌های ویژه‌ای چون ولادت امام رضاعلیه‌السلام و حضرت معصومه‌علیهاالسلام، نقش مهمی در الگو سازی و انسان سازی دارد. این نقش‌ها به شرح زیر است: ۱. الگو سازی از شخصیت‌های بزرگ و الهی: زندگی و سیره اهل بیت‌علیهم‌السلام به‌ویژه امام رضاعلیه‌السلام و حضرت معصومه‌علیهاالسلام به عنوان الگوهایی برای رفتار و اخلاق نیکو معرفی می‌شوند. ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری این شخصیت‌ها می‌تواند به عنوان معیارهایی برای جوانان و جامعه به کار رود. با توجه به این نکته که الگوبرداری از اهل بیت‌علیهم‌السلام یک الگوبرداری همه جانبه است. زیرا افراد موفق دیگر به غیر اهل بیت‌علیهم‌السلام فقط در یک یا چند زمینه می‌توانند الگو باشند ولی اهل بیت‌علیهم‌السلام در همه زمینه الگو هستند. ۲. تقویت هویت اسلامی: دهه کرامت فرصتی برای آشنایی با تاریخ و فرهنگ اسلامی و تقویت هویت دینی و ملی جوانان است. هویتی که امروزه بعضی از افراد در صدد یافتن مدلی برای چگونه زیستن هستند و دچار سرگردانی‌های علمی و عملی شده‌اند. همچنین ترویج حس افتخار به دین و ارزش‌های اسلامی در بین نسل‌های جدید از طریق توجه به الگوهای برجسته دینی همچون امام رضا و حضرت معصومه‌علیهاالسلام مقدور می‌باشد. ۳. فراهم کردن بستری برای خودسازی: این دهه می‌تواند به عنوان فرصتی برای توجه به خودسازی و بهبود رفتارهای فردی و اجتماعی از طریق ارتباط گیری با امام رضا و حضرت معصومه‌علیهاالسلام باشد. دهه کرامت با ترویج الگوهای انسانی و اخلاقی، تقویت هویت اسلامی، ایجاد فضای خودسازی، نیکوکاری، علم‌آموزی و صبر، نقش بسزایی در انسان‌سازی و الگو سازی در جامعه اسلامی ایفا می‌کند. این ویژگی‌ها می‌توانند به شکل‌گیری نسلی مؤمن، اخلاق‌مدار و خدمتگزار منجر شوند.

۱۰. کرامت انسانی در آموزه‌های رضوی به چه معناست؟

آموزه‌های رضوی، به ویژه در سیره و سخنان امام رضاعلیه‌السلام، تأکید زیادی بر کرامت انسانی دارند. این آموزه‌ها به شکل‌گیری ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی در جامعه کمک می‌کند. مهم‌ترین جنبه‌های کرامت انسانی در آموزه‌های رضوی به شرح زیر است: ۱. احترام به انسانیت و مساوات و برابری: امام رضاعلیه‌السلام به برابری انسان‌ها و عدم تفاوت بین آن‌ها بر اساس نژاد، جنسیت یا موقعیت اجتماعی تأکید می‌کند. به همین خاطر تأکید بر اهمیت احترام به حقوق دیگران و عدم تعدی به آن‌ها فرموده اند. ۲. خدمت به دیگران: امام رضاعلیه‌السلام همواره بر اهمیت

خدمت به نیازمندان و انسان‌های آسیب‌دیده تأکید داشته و خود نیز در عمل به این موضوع پرداخته است. ترویج فرهنگ خدمت به جامعه و همکاری با دیگران به عنوان یک ارزش انسانی در سیره رضوی شمرده می شود. ۳. آموزش و علم‌آموزی: امام رضاعلیه‌السلام به علم و دانش به عنوان ابزاری برای ارتقاء کرامت انسانی اشاره کرده و بر ضرورت تحصیل علم تأکید می‌کند. به همین خاطر تشویق به تحقیق و پرسشگری به عنوان راهی برای رشد فردی و اجتماعی شده است. ۴. توجه به اخلاق و رفتار نیکو: تأکید بر رفتارهای اخلاقی و نیکو به عنوان نشانه‌ای از کرامت انسانی. آموزش مدارا و صبر در مواجهه با مشکلات و چالش‌ها از جمله سفارشات عملی و لسانی در سیره رضوی است. ۵. ترویج محبت و همدلی: امام رضاعلیه‌السلام به محبت و همدلی به عنوان دو اصل اساسی در روابط انسانی تأکید می‌کند. تقویت روابط اجتماعی، ترویج دوستی و همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه در سیره رضوی به خوبی به چشم می خورد. ۶. توجه به معنویت: تأکید بر اهمیت ارتباط با خداوند و تقویت روحیه معنوی به عنوان بخشی از کرامت انسانی، تشویق به توبه و تلاش برای بهبود رفتارها و نیت‌ها نیز از آموزه های رضوی برای حفظ کرامت انسان است. آموزه‌های رضوی با تأکید بر احترام به انسانیت، خدمت به دیگران، اهمیت علم، رفتارهای نیکو، محبت و همدلی، و توجه به روح و معنویت، به شکل‌گیری کرامت انسانی در جامعه کمک می‌کند. این آموزه‌ها می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای اخلاق‌مدار و انسانی منجر شود که در آن هر فرد به حقوق و کرامت خود و دیگران احترام بگذارد.

۱۱. جایگاه زن بر اساس کرامت نفس چگونه قابل تبیین است و چه ویژگی‌هایی دارد؟

جایگاه زن بر اساس کرامت نفس، به ویژه در آموزه‌های دینی و فرهنگی، به عنوان یک اصل اساسی در فهم و تبیین حقوق و مسئولیت‌های زنان شناخته می‌شود. این جایگاه می‌تواند از جنبه‌های مختلفی تبیین شود: ۱.کرامت ذاتی و ارزش ذاتی: بر اساس آموزه‌های اسلامی، هر انسان، اعم از زن یا مرد، دارای کرامت ذاتی است که از سوی خداوند به او عطا شده است. عدم تبعیض و کرامت نفس زنان به معنای عدم تبعیض و تفاوت‌گذاری بین جنسیت‌ها در ارزش انسانی و حقوق است. ۲. نقش و مسئولیت‌های اجتماعی: زنان در جامعه دارای نقش‌های متنوعی هستند، از جمله مادری، همسری، و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی. زنان به عنوان الگوهای اخلاقی و انسانی، مسئولیت‌های مهمی در تربیت نسل آینده و حفظ ارزش‌های خانوادگی دارند. ۳. تحصیل و علم‌آموزی و حق تحصیل: بر اساس کرامت نفس، زنان حق دارند به علم و دانش دسترسی داشته باشند و در تحصیل و آموزش مشارکت کنند. زنان می‌توانند در زمینه‌های علمی و فرهنگی تأثیرگذار باشند و به پیشرفت جامعه کمک کنند. ۴. احترام و محبت به حقوق زنان؛ بر اساس کرامت نفس، جامعه موظف است به حقوق و نیازهای زنان احترام بگذارد و از آن‌ها حمایت کند. روابط خانوادگی و اجتماعی باید بر پایه محبت و همدلی میان زن و مرد بنا شود. ۵. توجه به سلامت روان و جسم؛ توجه به نیازهای جسمی و روانی زنان به عنوان بخشی از کرامت نفس آن‌ها ضروری است. فراهم کردن بسترهای حمایتی برای سلامت و رفاه زنان در جامعه ضروری

است. ۶. آزادی و حق انتخاب: زنان باید حق انتخاب در زمینه‌های مختلف زندگی، از جمله تحصیل، شغل، و زندگی شخصی داشته باشند. تقویت خودآگاهی و استقلال زنان به عنوان بخشی از کرامت نفس آن‌ها است. جایگاه زن بر اساس کرامت نفس به معنای احترام به ارزش انسانی و حقوق و نقش‌های اجتماعی آن‌ها است. این جایگاه شامل حق تحصیل، مسئولیت‌های اخلاقی، احترام به حقوق، توجه به سلامت، و آزادی انتخاب می‌شود. تبیین این جایگاه می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای عادلانه و انسانی منجر شود که در آن زنان به عنوان اعضای ارزشمند و برابر با مردان شناخته شوند.

۱۲. نقش کرامت نفس در انسان‌سازی و اخلاق‌مداری چیست؟

کرامت نفس به معنای ارزش و احترام به خود و دیگران است. این مفهوم در انسان‌سازی و اخلاق‌مداری تأثیرات عمیقی دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود: ۱. تقویت عزت نفس؛ کرامت نفس باعث می‌شود فرد به خود احترام بگذارد و به قابلیت‌ها و توانایی‌های خود اعتقاد داشته باشد. افراد با کرامت نفس بالا، به توانایی‌های خود ایمان دارند و در مواجهه با چالش‌ها مقاوم‌تر هستند. ۲. توسعه روابط اجتماعی؛ وقتی فرد به خود احترام می‌گذارد، به دیگران نیز احترام خواهد گذاشت و این موضوع باعث تقویت روابط اجتماعی می‌شود. کرامت نفس به افراد کمک می‌کند تا احساس همدلی و همبستگی بیشتری با دیگران داشته باشند. ۳. اخلاق‌مداری و رفتارهای مثبت؛ افرادی که به کرامت نفس خود و دیگران توجه دارند، در تصمیم‌گیری‌های خود بیشتر به اصول اخلاقی پایبند هستند. این افراد به مسئولیت‌های خود توجه بیشتری دارند و سعی در انجام درست آن‌ها دارند. ۴. رشد و پیشرفت فردی؛ با توجه به کرامت نفس، فرد به دنبال رشد و پیشرفت شخصی می‌رود و تلاش می‌کند تا به بهترین نسخه از خود تبدیل شود. کرامت نفس موجب می‌شود که افراد اهدافی معنادار برای زندگی خود تعیین کنند و به سمت آن‌ها حرکت کنند. کرامت نفس نه تنها به فرد کمک می‌کند تا به خود و دیگران احترام بگذارد، بلکه به عنوان یک عنصر کلیدی در توسعه اخلاق‌مداری و انسان‌سازی عمل می‌کند. این مفهوم باعث ایجاد جامعه‌ای سالم‌تر و اخلاقی‌تر می‌شود.

۱۳. آیا کریم و اهل کرامت شدن برای همه انسان‌ها امکان‌پذیر است؟

کریم و اهل کرامت شدن به معنای داشتن ویژگی‌هایی مانند سخاوت، احترام به خود و دیگران، و رفتارهای اخلاقی مثبت نه تنها امکان دارد که مورد توصیه دین واولیای دینی است. بنابریان این صفت کرامت برای همه انسان ها امکان پذیر است هرچند در عمل شرایط افراد متفاوت است. در این راستا، به چند نکته مهم باید توجه کرد: ۱. طبیعت انسانی و پتانسیل ذاتی: همه انسان‌ها به طور ذاتی دارای پتانسیل برای رشد و توسعه ویژگی‌های کریم و اهل کرامت هستند. این ویژگی‌ها می‌توانند با تلاش و آموزش تقویت شوند. ۲. آموزش و تربیت نقش خانواده و جامعه: آموزش‌های اولیه در خانواده و جامعه می‌تواند تأثیر زیادی بر شکل‌گیری شخصیت فرد داشته

باشد. محیط‌های حمایتی و مثبت می‌توانند به پرورش کرامت نفس کمک کنند. آموزش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی می‌تواند به افراد کمک کند تا رفتارهای کریمانه‌تری از خود نشان دهند.۳. تجربه‌ها و چالش‌ها و تأثیر تجربیات زندگی: تجربیات مثبت و منفی زندگی می‌توانند بر شکل‌گیری شخصیت و رفتار فرد تأثیر بگذارند. افرادی که با چالش‌ها و سختی‌ها مواجه می‌شوند، ممکن است به سمت رشد و تعالی بیشتری حرکت کنند. حتی افرادی که در گذشته رفتارهای غیرکریمانه‌ای داشته‌اند، می‌توانند با آگاهی و تلاش به سمت تغییر و بهبود حرکت کنند. ۴. نیاز به اراده و تلاش اراده فردی: برای تبدیل شدن به فردی کریم و اهل کرامت، نیاز به اراده و تلاش مستمر وجود دارد. افراد باید به خود انگیزه دهند و برای بهبود خود تلاش کنند. تمرکز بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی می‌تواند به افراد کمک کند تا به سمت کرامت و سخاوت حرکت کنند. به طور کلی، کریم و اهل کرامت شدن برای همه انسان‌ها امکان‌پذیر است، اما نیازمند تلاش، آموزش و اراده فردی است. هر فرد می‌تواند با توجه به پتانسیل‌های خود و با حمایت محیط، به سمت این ویژگی‌ها حرکت کند.

۱۴. نقش زن در حرکت‌های اصلاحی جامعه با محوریت حرکت حضرت معصومه علیها السلام چیست؟

حضرت معصومه علیها السلام به عنوان یک شخصیت برجسته در تاریخ اسلام، نقش مهمی در حرکات اصلاحی جامعه ایفا کرده است. این نقش به ویژه در زمینه‌های زیر قابل توجه است: ۱. نقش الگو و پیشوایی الگوی فکری و معنوی: حضرت معصومه علیها السلام به عنوان یک زن عالم و فاضله، الگویی برای زنان و مردان در جامعه اسلامی است. ایشان نشان دادند که زنان می‌توانند در عرصه‌های علمی و فرهنگی تأثیرگذار باشند. با سفر به قم و تأسیس مرکز علمی، ایشان به گسترش علم و دانش در جامعه اسلامی کمک کردند و زنان را به تحصیل و علم‌آموزی تشویق کردند. ۲. تأکید بر ارزش‌های اخلاقی: حضرت معصومه علیها السلام با رفتار و سیره خود، ارزش‌های اخلاقی و انسانی را در جامعه ترویج کردند. این رفتارها به زنان و مردان الهام بخشید تا به اصول اخلاقی پایبند باشند. ایشان به عنوان یک شخصیت دینی، در مقابل فساد و انحرافات اجتماعی ایستادگی کردند و تلاش کردند تا جامعه را به سمت اصلاح و بهبود هدایت کنند. ۳. تقویت نقش اجتماعی زنان و حضور فعال در جامعه: حضرت معصومه علیها السلام نشان دادند که زنان می‌توانند در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی فعال باشند و در حرکات اصلاحی شرکت کنند. ایشان با تأکید بر اهمیت نقش زنان در جامعه، آن‌ها را به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی ترغیب کردند. ۴. ترویج فرهنگ اسلامی و حفظ میراث دینی: حضرت معصومه علیها السلام در حفظ و ترویج فرهنگ و معارف اسلامی نقش بسزایی داشتند. ایشان با تأسیس مراکز علمی، به گسترش معارف اسلامی کمک کردند. با تربیت نسل‌های آینده، ایشان به تداوم ارزش‌های اسلامی و فرهنگی در جامعه کمک کردند. بنابراین، حضرت معصومه علیها السلام با ترویج علم، اخلاق، و مشارکت اجتماعی، الگویی برای زنان و مردان در جامعه اسلامی شدند. حرکت ایشان به عنوان یک نماد از توانمندی و تأثیرگذاری زنان در جامعه، همچنان الهام‌بخش نسل‌های آینده است.